

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هشتم، تابستان ۱۴۰۲: ۱۶۶-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

## کاوشی در فهم تجربه زیسته زوجین از فرزندآوری در استان لرستان

غلامرضا تاجبخش\*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حال حاضر جامعه ایرانی با آن مواجه است، مسئله فرزندآوری است. کاهش نرخ باروری و حرکت جمعیتی جامعه به سمت سالمند شدن از جمله دلایلی است که بررسی موضوع فرزندآوری در کشور را برای محققان ضروری کرده است. برای پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل زوجین شهرستان‌های استان لرستان بود. در بخش نمونه‌گیری داده‌های پژوهش با ۳۱ مصاحبه از زوجین به اشباع نظری رسید. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. همچنین برای تحلیل یافته‌ها از تحلیل تماتیک و کدگذاری استفاده شد. یافته‌های پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی به یازده بن‌مایه اصلی ختم شد که عبارتند از: فرزندگرایی ایده‌آل، عوامل روانی و فردی، تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نگرش‌ها و اعتقادات، مسائل جنسی و خانوادگی، روابط بین‌زوجی و دیدگاه معرفت‌شناختی زوجین به زندگی. فضای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سالم و ایجاد حس رضایت و امنیت در جامعه، تأثیر بسزایی در تمایل زوجین به فرزندآوری دارد. همچنین حمایت و آگاه‌سازی در حوزه‌های پزشکی و فردی برای داشتن فرزند سالم نیز از جمله عوامل مؤثری است که نگاه زوجین استان را به داشتن فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** خانواده، فرزندآوری، زوجین، مطالعه کیفی، لرستان.

## مقدمه

باروری به عنوان یک واقعیت اجتماعی در سطح کلان تحت تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در سطح خرد، متأثر از تفکرات، انگیزه‌ها، تمایلات و گرایش‌های افراد است. تغییرات بنیادی در ساختار و ویژگی‌های خانواده ایرانی در ابعاد گوناگون ایجاد شده است. کاهش سطح باروری و انتقال خانواده گسترده به سمت خانواده هسته‌ای و به تبع آن، کاهش زاد و ولد از تجربه‌های مهم خانواده‌های ایرانی بوده، امری محسوس است؛ به طوری که میزان باروری کل کشور از ۲/۰۷ فرزند در سال ۱۳۹۶ که می‌توان آن را باروری در سطح جانشینی در نظر گرفت، به ۱/۶ در سال ۱۴۰۱ رسیده است. در حال حاضر اکثر استان‌های کشور از جمله استان لرستان، باروری پایین و کمتر از حد جانشینی است (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال، ۱۴۰۲: ۱۱۵).

در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰ اقدامات و برنامه‌های گسترده‌ای را سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیر دولتی در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغی، بهداشتی و... برای کاهش نرخ رشد جمعیت و تحقق شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» انجام دادند که منجر به زمینه‌سازی تغییر سیاست‌های جمعیتی کشور و کاهش رشد سالانه جمعیت شد؛ به طوری که با تغییر سبک و شیوه زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و رفاه‌طلبانه، تمایل به فرزندآوری در میان خانواده‌های ایرانی کاهش یافته است.

بررسی آمارهای زاد و ولد در کشور در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ نشان از کاهش آنها دارد. بر اساس اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور، تعداد کل مولید ثبت شده با شیب ملایم تا ۱۳۹۷ و شیب تندتر تا سال ۱۴۰۱ مواجه شده است؛ به گونه‌ای که در سال ۹۶ با کاهش ۶.۲ درصدی، در سال ۹۷ با کاهش ۸ درصدی، در سال ۹۸ با کاهش ۱۲ درصدی و در سال ۹۹ با کاهش ۶.۸ درصدی در قیاس با همین آمار در سال پیشین خود مواجه بوده است. بر اساس میزان کاهش آمار ولادت‌های ثبت شده طی سال ۱۴۰۱ در قیاس با سال ۹۴، ولادت‌ها کاهش یافته است (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال، ۱۴۰۱: ۱۲۱).

امروزه کاهش باروری به یک مسئله جهانی در همه کشورها، به‌ویژه کشور ایران تبدیل شده است. خانواده ایرانی در دهه اخیر، تحولات بسیاری به خود دیده است. دگرگونی در

ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامعه ایرانی، مباحث مهمی چون فرزندآوری را دستخوش تغییرات عمده‌ای کرده است. با گذار از سنت به مدرنیته، اغلب جوامع به‌ویژه جامعه ایرانی که ساختی سنتی داشته، دچار تحول بزرگی شده و نه‌تنها ارزش‌ها، بلکه بسیاری از مؤلفه‌های دیگر جامعه ایرانی را دچار دگرگونی کرده است. تأثیر صنعت سرگرمی، رسانه‌ها و فناوری‌های نوین در چند دهه اخیر در کشور ما به قدری بوده که بسیاری از مؤلفه‌های اصلی جامعه و به‌ویژه موضوع باروری را متحول کرده است.

با ظهور برخی از مؤلفه‌های مدرنیسم در جامعه ما و پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، نقش مکان و برخی مؤلفه‌های سنتی که در شکل‌دهی فرزندآوری مهم بوده، بسیار کمرنگ شده است؛ زیرا رسانه‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند فرد را از مکان خود جدا کنند و به فرآیند جهانی شدن پیوند بزنند. جامعه ایران با ابعاد مختص خود، بخشی از نشانگرهای فرهنگ فردگرا و بخشی از نشانگرهای جمع‌گرا را در خود دارد. همان‌گونه که ایرزمن<sup>۱</sup> معتقد است، بهتر است فردگرایی و جمع‌گرایی به صورت یک بعد درهم‌تنیده در نظر گرفته شوند؛ به این معنا که در هر جامعه‌ای، هر دو فرهنگ فردگرایی و جمع‌گرایی با هم وجود دارد و به صورت خالص نمی‌توان یک فرهنگ را فردگرایی کامل یا جمع‌گرایی کامل تعریف کرد.

بر اساس آخرین آمار مرکز ملی آمار ایران، جمعیت استان لرستان، ۱/۸۰۵/۲۱۵ نفر است. بر اساس آمارها در استان لرستان، ۸ درصد جمعیت را کودکان، ۲۱ درصد نوجوانان، ۱۷.۵ درصد جوانان، ۴۳ درصد افراد میانسال و ۱۰.۵ درصد را سالمندان تشکیل می‌دهند. بر همین اساس ۸ درصد جمعیت کودکان نمی‌توانند جایگزین ۱۰.۵ درصد سالمندان استان شوند و سی سال آینده بیش از ۴۳ درصد جمعیت استان را سالمندان تشکیل می‌دهند که مولد نیستند و در سال‌های آینده شاهد استانی پیر و سالمند خواهیم بود. در سال ۱۴۰۰، تعداد ۱۵ هزار و ۲۱۱ واقعه ازدواج در لرستان ثبت شده که این آمار در سال گذشته به ۱۴ هزار و ۶۱۲ مورد رسیده است. همچنین در سال ۱۴۰۰، ۴ هزار و ۲۱۵ واقعه طلاق در استان ثبت شده است که این رقم طی سال گذشته با کاهش هفت درصدی به سه هزار و ۹۶۳ نفر رسید (ر.ک: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). با توجه به آمار بالا و روند کاهش جمعیت جوان این استان و پیری آن، پرداختن به

مقوله مهمی چون جوان‌سازی جمعیت بسیار ضروری است؛ زیرا جمعیت نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی نیز می‌تواند ساختارهای خرد و کلان این استان و حتی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. وجود و حضور بانشاط نسل جوان در این استان می‌تواند با قرار گرفتن در مسیر درست و برنامه‌ریزی فرهنگی کلان به پویایی و رشد توسعه این استان کمک کند.

تاکنون مطالعه مدونی درباره موضوع فرزندآوری در استان لرستان انجام نشده و با توجه به کاهش فرزندآوری در این استان ضروری است به این موضوع مهم استان پرداخته شود. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در استان لرستان است. در این پژوهش با توجه به ماهیت مسئله پژوهش و اهداف ذکرشده، به بررسی چند پرسش اساسی در این پژوهش می‌پردازیم و سعی می‌کنیم که به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش پاسخ دهیم. پرسش‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱. چه عواملی بر موضوع فرزندآوری خانواده‌های استان لرستان مؤثر است؟
۲. نگاه زوجین به مقوله فرزندآوری و چالش‌های پیش رو چیست؟
۳. چه راهکارهایی برای افزایش فرزندآوری در استان لرستان می‌توان ارائه کرد؟

### مفاهیم حساس و دلالت‌های نظری

نظریه گذار جمعیتی از جمله نخستین تئوری‌هایی بوده است که برای کاهش جهانی باروری مطرح شد. این تئوری به تغییرات از باروری و مرگومیر بالا به ثبات در سطح پایین مرگومیر و باروری پایین در حدود سطح جانشینی اشاره دارد.

یکی دیگر از تئوری‌هایی که برای تبیین باروری پایین از آن استفاده گسترده شده است، تئوری گذار دوم جمعیتی است. نظریه گذار جمعیتی دوم، نظریه‌ای برای تبیین باروری پایین یا به تعبیر دیگر، باروری زیر سطح جانشینی و تداوم آن در جوامع پیشرفته اواخر مدرن است. بنابراین نظریه، تغییرات اساسی در سطح جامعه در چند دهه آخر قرن بیستم به‌ویژه تغییرات فرهنگی و ارزشی، تغییرات اساسی متناظر با آن در سطح خانواده را در جوامع باروری پایین و تداوم باروری مدرن پیش آورده است که متناسب با بار در زیر سطح جانشینی است.

لسته‌هاقی در مقاله «شرح آشکار» سعی کرده است تا به نقش فرهنگ در گذار دوم اشاره کند (Lestehaq, 2010: 211). بکر،<sup>۱</sup> خانواده را یک واحد تولیدی قلمداد می‌کند که والدین درباره بچه و اینکه چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد، فکر می‌کنند. کالدول نیز با ارائه نظریه‌ای سعی در تبیین جریان ثروت نسلی در جوامع سنتی و باروری مدرن کرد (Caldwell, 1987: 123).

برخی از صاحب‌نظران، عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و آمل خانواده را عامل برتر در تبیین باروری می‌دانند و معتقدند که هرچند عوامل مدرنیزاسیون و اقتصادی ممکن است در تبیین تفاوت‌های باروری مؤثر باشد، توجه به ایده‌ها و فرهنگ هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی ضروری است. صاحب‌نظرانی چون جفری مک‌نیکل و سوزان گرین‌هال<sup>۲</sup> نیز معتقدند که در تبیین باروری باید به مجموع عوامل نهادی که در شکل‌گیری رفتارهای باروری مؤثرند، توجه کرد. مک‌دونالد<sup>۳</sup> نیز معتقد است که دو نوع نهاد وجود دارد: یکی نهاد فردمحور و دیگری نهاد خانواده‌محور. زمانی که نقش‌ها و انتظارات نهادهای خانواده‌محور با نهادهایی که فردمحور هستند تفاوت یابد، ناهماهنگی‌ای بین این نهادها به وجود می‌آید. این امر سبب می‌شود که زنان بین آزادی‌های فردی و مسئولیت‌های خانوادگی خود دچار تعارض شوند و برای اینکه بتوانند از این مسائل بیرون آیند، تصمیم به کاهش باروری می‌گیرند. مک‌دونالد در مدل برابری جنسیتی بیان می‌کند که نهادها، زن را جدای از نقش‌های وی به عنوان یک همسر، مادر یا عضوی از خانواده، به عنوان یک فرد در نظر می‌گیرند. امروزه نتیجه باروری پایین که در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته مشاهده می‌شود، وجود برابری جنسی و ارتباط آن با نهادهای اجتماعی و اقتصادی نسل جدید است. از نظر وی، تغییر در موقعیت زنان و نابرابری جنسی به ایجاد تغییر در شرایط خانواده و اجتماع نیاز دارد که ممکن است به کندی صورت بگیرد. بنابراین بر مبنای نظریه برابری جنسی و نظریه‌های فمینیستی و در پی پیشرفت و توسعه جوامع و با گسترش شهرنشینی، تحصیلات و اشتغال در بین زنان، وضعیت آنان در ساختار خانواده و جامعه تغییر می‌یابد. زنان ترجیح می‌دهند به موقعیتی مساوی با مردان دست یابند؛ از آن جهت ازدواج و مادر

1. Becker

2. Geoffrey McNicoll and Susan Greenhalgh

3. McDonald

شدن را به جهت از دست ندادن موقعیت اجتماعی خویش به تأخیر انداخته، فرصت را برای آنها از دست می‌دهند که این خود پیامد طولانی شدن مدت زندگی هم‌زیستی و کاهش باروری است (تاج‌بخش، ۱۴۰۲: ۴۶).

آرسن دمون<sup>۱</sup>، فیلسوف فرانسوی از مقدم‌ترین اندیشمندان در زمینه تئوری ارتقای اجتماعی (تئوری شعور اجتماعی) بر این اعتقاد است که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر، ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزند بیشتر، امکان ارتقای منزلت اجتماعی و ترقی در رده‌های اجتماعی بیشتر باشد، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند (حسینی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۶). فرض اصلی تئوری اشاعه این است که کنترل باروری در ارتباط مستقیم با نگرش افرادی قرار دارد که اولاً مفهوم واژه بعد خانوار و انواع وسایل پیشگیری از باروری را شناخته و ثانیاً از آن وسایل هم استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر این نظریه بر نظام‌های نگرشی و ارزشی در تبیین تفاوت‌ها و تغییرات باروری و بعد مطلوب خانواده تأکید می‌کند. تغییر در نظام ارزش‌های اجتماعی و تغییر در نگرش افراد جامعه درباره مسائلی نظیر تولیدمثل، تنظیم خانواده و سقط جنین و مکانیزمی را که این تغییرات در آن شکل می‌گیرد، می‌توان مرکز ثقل این دیدگاه دانست.

از جمله تئوری‌های اقتصادی می‌توان به تئوری ریچارد استرلین<sup>۲</sup>، از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان باروری اشاره نمود که نظریه خود را با استفاده از تئوری‌هایی که درصد تبیین اقتصادی باروری هستند، بیان می‌کند. این تئوری به تئوری «عرضه و تقاضا» و هزینه‌های تنظیم، شهرت یافته است.

نظریه هاری لیبنشتاین<sup>۳</sup> بر این فرض استوار است که فواید و هزینه‌های فرزندان، عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین درباره تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد. والدین به ارزیابی هزینه‌ها و مخارج ناشی از فرزندان می‌پردازند. اگر منافع داشتن فرزند بیش از هزینه‌ها یا مخارج او باشد، نگرش والدین مثبت خواهد بود و تصمیم به داشتن فرزند خواهند گرفت (Robinson, 1997: 82). بر اساس این نظریه، رضایت از زندگی و تعداد مطلوب فرزندان، عامل اصلی در باوری زنان تلقی می‌گردد.

---

1. Arsene Demon  
2. Richard Sterling  
3. Liebenstein

گری بکر در تئوری خود بر این باور است که رفتار باروری، نتیجه انتخاب خانواده است. در این تئوری، فرزندان به عنوان کالای مصرفی بادوام در نظر گرفته می‌شوند که طی زمان منفعت دارند و تقاضا برای آنها همانند تقاضا برای کالاهای مصرفی بادوام، تحت تأثیر عواملی چون تعداد فرزندان که می‌توانند زنده بمانند، هزینه‌های رشد و تربیت آنها، هزینه‌های فرصت‌های از دست رفته و سطح درآمد خانواده قرار خواهد گرفت (Behende & kanitkar, 1994 به نقل از حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳۱).

صاحب‌نظران اندیشه نوساز بر این باورند که نوسازی محیط، نوعی شیوه زندگی و فکری به وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف کرده، آینده‌نگری و آمال و آرزوی رسیدن به زندگی مرفه را در انسان تقویت می‌کند. «فاوست<sup>۱</sup> معتقد است که نوسازی محیط (در اثر تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی و...) موجب نوساختن گرایش‌ها و ارزش‌های فردی شده، رفتار و شیوه زندگی وی را تغییر می‌دهد. در نتیجه «خانواده‌گرایی» تضعیف گشته، میل به زندگی مرفه‌تر، حفظ سلامت جسمانی و روانی افزایش می‌یابد. از این‌رو نزد چنین والدینی به دلیل فشارهای مادی، روانی و جسمانی که فرزند در زندگی ایجاد می‌نماید، ارزش فرزند کاهش می‌یابد» (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱: ۹۳).

بر اساس تئوری‌های آموزشی، با افزایش سطوح تحصیلات زنان و بالا رفتن سن ازدواج آنان و نیز افزایش مطالبات و انتظاراتشان، میزان باروری کاهش می‌یابد؛ زیرا تحصیلات با نگرش‌های مثبت‌تر نسبت به کنترل مولید و آگاهی بیشتر از جلوگیری از حاملگی، رابطه مثبت و معنادار دارد. هاشورن<sup>۲</sup> اظهار می‌دارد که در تمامی جوامع، آگاهی از کنترل مولید با سابقه یا اقامت شهرنشینی، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط، ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بر متغیرهای تبیینی دیگر نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان، تأثیر قابل توجهی دارد.

کالدول<sup>۳</sup> درباره اهمیت تحصیلات در باروری بر این باور است که تحصیلات باعث تغییر نگرش ارزشی افراد شده و به دلیل عوامل ذیل، باروری را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد:

---

1. Fawcett  
2. Hashorn  
3. Kaldul

- کاهش منافع ناشی از کار فرزندان
  - افزایش هزینه‌های فرزندان
  - کاهش اهمیت ماهیت سرمایه‌ای فرزندان
  - تسریع تغییر فرهنگی
  - تبلیغ ارزش‌های طبقه متوسط غربی
- متخصصان اقتصاد خود به این نکته اشاره می‌کنند که والدین با تحصیلات بیشتر به دنبال فرزندان شایسته‌تری هستند و اینکه اگر یک مادر دارای سطح تحصیلات خوب، نیروی کار را ترک کند، هزینه‌های مربوط به فرصت از دست رفته بالاتر خواهد بود (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۵).

همان‌گونه که در بخش مفاهیم حساس ذکر شد، دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی برای تبیین تحولات باروری در کشورهای مختلف ارائه شده است که نظریه‌هایی همچون هزینه‌های تنظیم، گذار جمعیتی، تئوری آموزش، تئوری‌های اقتصادی، مدرنیزاسیون و برابری جنسیتی تا حدود زیادی تبیین‌کننده علت کاهش باروری در جوامع مختلف از جمله ایران است.

### پیشینه داخلی پژوهش

رهنما و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران» نشان دادند که عواملی مانند سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، دین‌داری، سن ازدواج، نگرش والدین، خانواده‌گرایی، دسترسی به روش‌های پیشگیری و... از عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران هستند.

تاج‌بخش (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه «زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری در شهر شیراز» پرداخت. روش پژوهش مقاله حاضر، کیفی و از روش پدیدارشناسی تأویلی متکی بر آرای هایدگر<sup>۱</sup> استفاده شد. به این منظور با ۱۹ زن متأهل ساکن شهر شیراز که با روش نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی گلوله برفی انتخاب شده بودند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون برای

---

1. Heidegger



تفسیر تجارب مصاحبه‌شوندگان استفاده شد که در نهایت ده مضمون اصلی ذیل کشف و استخراج گردید: بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، فقدان اثربخشی و کارآمدی سیاست‌های جمعیتی، ترس از بیماری کرونا، فرسایش سرمایه اجتماعی درون خانوادگی، سبک نوین زندگی و ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های نوظهور، کم‌رنگ شدن ابعاد نگرشی و عملی ارزش‌های دینی، نابسامانی و شوک‌های اقتصادی، بزرگ‌پنداری دافعه‌های فرزندآوری، محدودیت‌های پذیرفته‌شده اجتماعی و تحولات خانواده.

غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری بر اساس دیدگاه زنان: یک مطالعه کیفی» بیان نمودند که کاهش باروری ناشی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. این تغییرات در طبقات مختلف جامعه حادث شده است، اما به نظر می‌رسد که در بین طبقه مرفه، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، عامل مهم‌تری در کاهش باروری بوده و در بین طبقات متوسط و ضعیف، عامل اقتصادی دارای اهمیت بوده است. این مهم به معنای آن نیست که در طبقات متوسط و ضعیف، عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار نیست.

یافته‌های پژوهش زهره‌زاده (۱۳۹۹) با عنوان «میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سواد سلامت و سلامت معنوی» نشان داد که گرایش به فرزندآوری با سلامت معنوی، ارتباط معناداری دارد. همچنین آزموده (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان داد که میزان باروری با سن زوجین و میزان تحصیلات در زنان سنین باروری، مؤثر است. یافته‌های پژوهش رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که فرزندان، هزینه‌های احساسی، محدودیت، زحمات جسمانی و هزینه‌های خانوادگی زیادی برای والدین ایجاد می‌کنند.

نتایج پژوهش صادقی (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل بسترهای اجتماعی- فرهنگی کاهش باروری در ایران» بیانگر آن است که تعامل مجموعه‌ای از نیروهای ساختی- نهادی، معنایی و فرهنگی منجر به شکل‌گیری باروری زیر سطح جانشینی در ایران شده است. عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «نامانی اقتصادی و باروری» نشان دادند که با وجود نقش تعدیل‌کننده متغیرهای تحصیلات و فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و سن زنان، تأثیر معنادار نامانی اقتصادی بر باروری همچنان پایدار بوده است.

یافته‌های محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴) با عنوان «تأثیر مذهب در باروری زنان بین زنان شیعه و سنی در شهر گله‌دار استان فارس» نشان داد که زنان سنی مذهب، باروری بالاتری دارند که با کنترل متغیرهای سن، فاصله سنی ایده‌آل فرزندان، تعداد ایده‌آل فرزند، استقلال زنان، پایبندی مذهبی، احساس عدم تحرک اجتماعی، سن ازدواج، وضعیت اقتصادی، سن فرزندان، استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری از تفاوت باروری بین زنان شیعه و سنی کاسته شده، اما این تفاوت معنادار باقی می‌ماند. عنایت و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به جهانی شدن فرهنگی، فناوری‌های نوین ارتباطی نظیر ماهواره و اینترنت به عنوان عواملی که باعث تغییر نگرش به فرزندآوری شده است، اشاره می‌کنند.

### پیشینه پژوهش خارجی

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، کاهش فرزندآوری و مسائل مربوط به آن در هر جامعه بسیار مهم است و بررسی مسائل فرزندآوری صرفاً به جامعه ایرانی ختم نمی‌شود. بنابراین در ادامه به بررسی پژوهش‌هایی در خارج از ایران می‌پردازیم که موضوع فرزندآوری و مسائل پیرامون آن را مورد کاوش قرار داده‌اند.

گتو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهش خود بر اساس نظریه گذار دوم جمعیتی و با تأکید بر تغییرات فرهنگی و نگرشی برای تبیین باروری پایین و افزایش مشارکت زنان در بازار کار پرداختند. تحقیق ایشان، نظریه گذار دوم جمعیتی را تأیید نمود.

یافته‌های پژوهش ارسال و گلدستین<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که ناامنی اقتصادی به عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در روند کاهش باروری، تأثیر فراوان دارد. یافته‌های پژوهش هی فورد و مورگان<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که نرخ باروری واقعی و تمایل به فرزنددار شدن در زنانی که معتقد به اهمیت بسیار مهم دین در زندگی روزمره هستند، بالاتر از کسانی است که چنین اعتقادی ندارند یا اهمیت کمی برای آن قائل هستند.

همچنین یافته‌های پژوهش اتوه<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) با عنوان تغییرات خانوادگی در زمینه

1. Gato et al

2. Arsal and Goldstein

3. Hey Ford and Morgan

4. Atoh

باروری پایین در کشور ژاپن نشان داد که نرخ‌های پایین باروری در این کشور به برخی از تغییرات و تحولات حوزه خانواده مرتبط است. وی به تغییرات مهمی نظیر کاهش نقش‌های سنتی خانوادگی به واسطه تحصیلات زنان و فرصت‌های شغلی ایجاد شده می‌پردازد.

ادسیرا<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های پیمایش ۱۹۸۵ و ۱۹۹۹ در جامعه اسپانیا نشان داد که در سال ۱۹۸۵، اندازه خانواده در بین مشارکت‌کنندگان مذهب کاتولیک و غیر کاتولیک تقریباً یکسان و برابر بوده، اما در سال‌های بعد، نرخ باروری در میان اشخاصی که در برنامه‌های مذهبی کلیسا حضور نمی‌یافتند، به طور معناداری کاهش یافته است.

### نقدی بر پیشینه‌ها

کاهش فرزندآوری، یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حوزه علوم انسانی و به‌ویژه جامعه‌شناسی است که در چند دهه اخیر، محققان تمام کشورهای جهان آن را مطرح و بررسی کرده‌اند. بررسی این موضوع به این علت مهم است که با تمامی ساختارهای جامعه در ارتباط است و زوال این مفهوم در هر جامعه‌ای می‌تواند از خطری بزرگ حکایت کند. همان‌گونه که در بخش پیشینه‌های داخلی و خارجی آورده شد، پژوهش‌های بسیاری درباره باروری انجام شده است. هر کدام از این پژوهش‌ها بر بعد خاصی از آن و سنجش تأثیر متغیرهای متعددی در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های ذکر شده در مقاله حاضر، حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق دارد. در نتیجه اهمیت این پژوهش در آن است که با رویکرد کیفی و به طور ویژه به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق می‌پردازد. ضمن اینکه در این پژوهش، مکان تحقیق، یکی از استان‌هایی است که کاهش هرم سنی جوانی را تجربه می‌نماید و ضروری است که موضوع فرزندآوری در این استان مورد کاوش قرار گرفته، عوامل مؤثر بر آن شناخته و بررسی شود. در نهایت این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین به دنبال ارائه راهکارهای عملی‌تر برای افزایش فرزندآوری این استان است.

## روش پژوهش

با توجه به ماهیت مسئله پژوهش، برای بررسی موضوع از روش کیفی استفاده شد و اساس کار بر مطالعه بسترها و زمینه‌های فرزندآوری بنیان نهاده شد. در این روش از «مصاحبه نیمه‌استاندارد» استفاده شد. در این پژوهش، معیار برای ورود به مطالعه، صرفاً محدود به زوج‌هایی هستند که ازدواج کرده و زندگی مشترک خود را آغاز نموده‌اند و دارای فرزند بوده و بخشی از آنها هنوز صاحب فرزند نشده‌اند. برای دستیابی به افراد مورد مطالعه از روش‌هایی متعددی نظیر پارک‌ها و اماکن تفریحی، مساجد، امکان ورزشی، فروشگاه‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی استفاده شده است. زمان تقریبی هر مصاحبه حدود ۶۰ دقیقه در نظر گرفته شد.

جامعه آماری این پژوهش، شامل زوجینی است که در شهرستان‌های استان لرستان سکونت داشته و با آنها مصاحبه شده است. در این روش کیفی، نمونه‌گیری به صورت هدفمند و نظری بوده است. در این روش، مبنای نمونه‌گیری مسئله، «اشباع نظری» است. فرایند اشباع نظری در خدمت دستیابی به اطلاعات زیادتر برای حل معما و تکمیل پازل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر اشباع نظری زمانی رخ می‌دهد که محقق متوجه شود که واقعاً در اینجا چه می‌گذرد و نسبت به تبیین نظری تحقیق، مطمئن شود. بر مبنای اشباع نظری با ۳۱ نفر مصاحبه شد.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به مصاحبه‌شوندگان، از تحلیل «تماتیک» و فن «کدگذاری» استفاده شده است. بر این اساس یافته‌ها در سه مقوله اصلی مشخص شد. مقوله اول به واحدهای معنایی اشاره دارد که مصاحبه‌شوندگان به صورت ملموس و مصداقی از آن سخن می‌گویند. مقوله دوم، تم‌های مشترک است که سطحی پیچیده‌تر از سطح اول است و کد مربوط به آن در یک مقوله مشخص و معنادار ارائه می‌شود و در نهایت بن‌مایه‌های اصلی مربوط به هر مقوله که اشاره به عوامل اصلی و بنیادین اثرگذار بر مقوله مورد بررسی در پژوهش دارند.

## یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، یافته‌ها در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه می‌شود.

### یافته‌های توصیفی

در جدول (۱)، مشخصات زوجینی آمده است که بر مبنای اشباع نظری انتخاب شده‌اند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که سوژه‌های انتخاب‌شده از طبقات اجتماعی مختلف، دارای تحصیلات مختلف و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مقوله فرزندآوری دارند. مدت زندگی زناشویی این زوجین نیز اکثراً بیش از پنج سال است و تعداد فرزندان آنها نیز کمتر از دو نفر است.

جدول ۱- یافته‌های مربوط به مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه	تعداد فرزند ایده‌آل	تعداد فرزند	مدت زندگی زناشویی (سال)	تحصیلات		شغل		سن		زوجین	ردیف
				زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد		
۰۱	۱	۰	۲	کاردانی	کارشناسی	خانه‌دار	وکیل	۲۵	۳۲	فرهاد و نجمه	۱
۰۲	۳	۲	۱۳	دیپلم	سیکل	خانه‌دار	معمار	۳۳	۳۸	رضا و سپیده	۲
۰۳	۱	۱	۷	سیکل	سیکل	خانه‌دار	آرایشگر	۲۷	۲۹	محمد و سیما	۳
۰۴	۲	۲	۱۱	دیپلم	سیکل	خانه‌دار	بنا	۳۱	۳۹	سلمان و الهام	۴
۰۵	۲	۲	۱۹	کارشناسی	دیپلم	پرستار	آزاد	۳۶	۴۲	مجتبی و مریم	۵
۰۶	۲	۱	۵	سیکل	سیکل	خانه‌دار	تربیب	۳۱	۳۳	ناصر و فرشته	۶

۰۷	۱	۱	۸	ابتدایی	ابتدایی	خانهدار	کارگر	۲۶	۳۱	یاسر و شیوا	۷
۰۸	۱	۱	۳	سیکل	دیپلم	آرایشگر	بنا	۲۷	۳۵	کیانوش و فاطمه	۸
۰۹	۱	۰	۷	سیکل	سیکل	خانهدار	آزاد	۲۵	۲۹	امین و مهدیه	۹
۰۱۰	۲	۱	۴	دیپلم	دیپلم	خانهدار	نویسنده	۲۷	۲۷	علی و سحر	۱۰
۰۱۱	۲	۱	۱۵	ابتدایی	سیکل	خانهدار	آزاد	۳۱	۳۵	مهدی و زهره	۱۱
۰۱۲	۲	۲	۶	سیکل	سیکل	خانهدار	آزاد	۱۹	۲۶	محمد و زهرا	۱۲
۰۱۳	۲	۲	۱۰	سیکل	ابتدایی	خانهدار	راننده	۲۷	۳۶	سجاد و زهرا	۱۳
۰۱۴	۳	۳	۱۰	ابتدایی	دیپلم	خانهدار	برنامه‌نویس	۳۶	۴۱	رضا و صفیه	۱۴
۰۱۵	۲	۲	۲۱	سیکل	ابتدایی	خانهدار	راننده	۳۹	۴۵	مرتضی و طیبه	۱۵
۰۱۶	۲	۲	۱۸	کاردانی	دیپلم	خانهدار	راننده	۳۳	۳۹	محمود و سمیه	۱۶
۰۱۷	۲	۱	۸	سیکل	کارشناسی	خانهدار	راننده	۲۴	۳۲	مهران و مهسا	۱۷

کاووشی در فهم تجربه زیسته زوجین از فرزندآوری ...؛ غلامرضا تاجبخش / ۱۴۹

۰۱۸	۲	۲	۱۲	کارشناسی ارشد	دیپلم	معلم	آزاد	۳۳	۳۷	مهدی و مریم	۱۸
۰۱۹	۳	۲	۱۳	دیپلم	دیپلم	آرایشگر	بنا	۲۸	۳۶	سلمان و زینب	۱۹
۰۲۰	۲	۲	۱۰	کارشناسی ارشد	کارشناسی	معلم	بازاری	۳۴	۳۵	اکبر و سحر	۲۰
۰۲۱	۲	۰	۲	کاردانی	کارشناسی	خانه‌دار	بیکار	۲۱	۲۴	محمد و مریم	۲۱
۰۲۲	۲	۱	۵	کارشناسی	کارشناسی	معلم	معلم	۲۶	۲۷	مهدی و آزاده	۲۲
۰۲۳	۲	۱	۵	دیپلم	کارشناسی	خانه‌دار	لوله‌کش	۲۴	۳۰	شهاب و مریم	۲۳
۰۲۴	۱	۰	۱	دیپلم	سیکل	خانه‌دار	آزاد	۱۸	۲۲	صادق و نگین	۲۴
۰۲۵	۲	۲	۱۶	دیپلم	کاردانی	خانه‌دار	معمار	۳۳	۳۹	نادر و فریبا	۲۵
۰۲۶	۳	۲	۲۴	سیکل	سیکل	خانه‌دار	نقاش	۴۰	۴۴	مجتبی و سمیرا	۲۶
۰۲۷	۲	۲	۲۱	کارشناسی	دیپلم	معلم	آزاد	۳۹	۴۱	عرب و حاجیه	۲۷

۲۸	احمد و پریسا	۳۶	۳۲	کارگر	خانه‌دار	ابتدایی	سیکل	۱۲	۲	۲	۰۲۸
۲۹	رضا و معصومه	۳۳	۳۱	آزاد	آرایشگر	کاردانی	سیکل	۱۱	۳	۴	۰۲۹
۳۰	عباس و نرگس	۳۹	۳۷	آزاد	خانه‌دار	کارشناسی	کارشناسی	۱۴	۳	۳	۰۳۰
۳۱	محسن و ساناز	۲۷	۲۱	آزاد	دانشجو	دیپلم	کاردانی	۱	۱	۰	۰۳۱

### یافته‌های تحلیلی

در این بخش بر مبنای کدگذاری‌های متفاوت و تحلیل تماتیک که محقق انجام داده، در قالب جدول ۲ و مدل ۱، نتایج حاصل از تجربه زیسته زوجین درباره تمایل به فرزندآوری و عوامل مؤثر بر آنها آمده است. تجربه‌های زیسته زوجین و بن‌مایه‌های اصلی و اثرگذار بر فرزندآوری به شرح زیر است:

۱- بن‌مایه فرزندگرایی ایده‌آل: این مقوله اشاره به این موضوع دارد که اغلب زوجین درباره داشتن فرزند در میان خود توافقاتی دارند که چه تعداد فرزند در زندگی آنها باشد و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز در این توافقات دخیل است.

برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «به نظر من ما یه بچه هم به سرمون زیاده. هم خودم و هم شوهرم نمی‌رسیم به چن تا بچه رسیدگی کنیم. بعد تربیت بچه هم خیلی مهمه. آدم بهتره یه بچه داشته باشه، خوب تربیتش کنه تا اینکه چن تا بچه داشته باشه، نتونه درست تربیتشون کنه» (کد مصاحبه: ۰۱۶).

مشارکت‌کننده دیگری معتقد است: «ببینید بچه که تنها باشه افسرده میشه. به نظر من باید حتماً یه همبازی داشته باشه. ما فعلاً بچه‌ای نداریم، اما یا بچه‌دار نمی‌شیم یا اگه بشیم، دو تا بچه می‌خوایم از خدا، جنسیتشم برامون مهم نیست» (کد مصاحبه: ۰۲۱).



۲- بن‌مایه فردی و ذهنی: اولین تم محوری در بررسی تمایل به فرزندآوری زوجین، به شناخت فردی نسبت به فرزندآوری و معنای آن مربوط می‌شود. این تم بیشتر به ویژگی‌های شخصیتی و روانی افراد و نوع نگاه آنها به زندگی با حضور بچه مربوط می‌شود. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «من دوس دارم بچه داشته باشم، ولی قبل از اقدام به داشتن بچه باید یه سری شرایط جور باشه. ولی در کل اینکه می‌تونی یه عضو جدید به خانواده وارد کنی و عاشقانه ازش مراقبت کنی، خیلی باحاله» (کد مصاحبه: ۰۸). همچنین سپیده از یک حس نیاز صحبت می‌کند: «من دو تا بچه دارم. داشتن بچه یه نیاز اساسی تو زندگی‌مه. هر چند حضور شوهرم توی زندگی‌م خیلی پررنگه، اما تصور زندگی بدون بچه‌هام، سخته و در کل زندگی‌م، کسل‌کننده می‌شه» (کد مصاحبه: ۰۲).

از سوی دیگر سبک زندگی فردی نیز می‌تواند تمایل به فرزندآوری را تحت الشعاع خود قرار دهد. در این زمینه مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «به نظر من داشتن یه بچه کافیه، ضمن اینکه الان تک‌فرزندی خیلی مُد شده و باکلاسه و من همیشه دوس دارم به روز باشم و جلوی دوستانم کم نیارم» (کد مصاحبه: ۰۴).

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که بر تمایل به فرزندآوری در سطح فردی اثر گذار است، درک مفهوم تنهایی هست. در این زمینه مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «بچه چیز بدی نیست، ولی باید بتونی بهش عادت کنی، به نقِ کردناش، سرما خوردنش، جیش کردنش و خیلی چیزای دیگش. در حال حاضر من و همسر دوس داریم تایم خالی و تنهایی‌مون رو بدون بچه بگذرونیم» (کد مصاحبه: ۰۱).

از سوی دیگر مشکلات جسمانی نیز در نگرش زوجین به فرزندآوری اثرگذار است. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «من دوتا بچه دارم، ولی به دلیل مشکلی که در رحم به وجود اومد بعده زایمان دوم، نمی‌تونم دوباره بچه‌دار بشم. ولی اگه این مشکل نداشتم، بازم برای بچه اقدام می‌کردم» (کد مصاحبه: ۰۳).

۳- بن‌مایه تغییرات فرهنگی: این تم بیشتر بر دگرگونی و برخورد بین فرهنگ‌های متفاوت و تأثیرگذاری آنها بر نگرش زوجین به فرزندآوری مربوط است. حضور رسانه‌ها در زندگی روزمره، ظهور شکاف‌های فرهنگی، عدم سازگاری ارزش‌های فرهنگی و سلطه

هنجارها و عرف‌های سنتی از واحدهای معنایی تشکیل‌دهنده این مقوله هستند.

برای مثال مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «در بین طایفه و قوم ما که لک هستیم، پسرزا بودن زن به ارزشه و آگه زن دختر بیاره، انگار ننگ کرده و تا موقعی که بچه پسر به دنیا بیاره همش از این برچسب دخترزا بودن شرمنده هست و سنگینی نگاه مردان و زنان فامیل اذیتش می‌کنه» (کد مصاحبه: ۰۷).

از سوی دیگر یکی از مشارکت‌کنندگان از نقش فناوری‌های پزشکی وارداتی می‌گوید: «نمی‌دونم چرا هی میگن خارجیا بدن. خدایا بامرزه پدر و مادر این آمریکایی رو با این اختراعاتشون، الان دیگه هر کی هم بچه نمی‌تونه داشته باشه، با این دم و دستگاه‌هایی که اینا ساختن، بچه‌دار میشه» (کد مصاحبه: ۰۲۰).

همچنین مشارکت‌کننده‌ای از یک مسئله فرهنگی که باعث سرد شدن زوجین از داشتن فرزندآوری می‌شود، می‌گوید: «نمی‌دونم این چه رسم بدیهه که باب شده، ما بچه‌هامون رو با هم مقایسه می‌کنیم. یکی میگه بچه من شاگرد اوله، یکی میگه بچم از همه خوشگل‌تره. انگار بچه وسیله پز دادنه هست. باور کنین همین طرز فکر امثال من رو از داشتن بچه دل‌سرد می‌کنه» (کد مصاحبه: ۰۱۵).

۴- بن‌مایه اجتماعی: ابعاد محوری این تم در جریان کنش متقابل افراد در جامعه، گروه‌ها و طبقات و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع حضور در جامعه و ارتباط متقابل با افراد مختلف در سطوح مختلف می‌تواند در تمایل به فرزندآوری زوجین تأثیرگذار باشد.

برای مثال مشارکت‌کننده‌ای از اختلاف طبقاتی و پایگاه اجتماعی می‌گوید: «آدمای پولدار، حق انتخاب بیشتری دارن و امثال من و همسرم که جزء قشر ضعیف جامعه هستیم، حق انتخابمون محدوده. اونا (منظور افراد پولدار) آگه ده تا بچه هم داشته باشن، براشون خیالی نیست، چون از پششون بر میان. ولی من از صبح تا شب باید سگ دو بزمن تا خرج این سه تا بچه رو در بیارم» (کد مصاحبه: ۰۳۰).

از سوی دیگر دو مقوله جنسیت‌سالاری و چشم و هم‌چشمی هم نقش مهمی در تمایل به فرزندآوری دارند. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «من سه تا دختر دارم که

دوتاشون رفتن خونہ شوہر. خودم حاضر نیستم یہ تار موشون رو بہ دنیا بدم، اما انقدر طعنہ از اطرافیان شنیدم و انقدر در دوران جوانی، فشار اطرافیان روی من بود کہ انگیزم واسہ داشتن بچہ کور شد و تصمیم گرفتم دیگہ بچہ دار نشم. راستش ترسیدم کہ بچہ چہارم پسر نباشہ، نونم زیر فشار حرف دیگران دووم بیارم» (کد مصاحبہ: ۰۲۹).

۵- بن مایہ اقتصادی: این تم اشارہ بہ میزان توانایی زوجین اعم از ہزینہ ہای دوران بارداری، اشتغال، سطح درآمد زوجین، رفاه و ہزینہ رشد و تربیت فرزندان دارد. مشارکت کنندہ ای می گوید: «پولی کہ باید برای سونوگرافی، غربالگری و تعیین جنسیت بچہ بدیم، خیلی زیادہ. از طرفی اگہ مثلاً یہ زن ہم مشکلی داشتہ باشہ کہ باید تحت نظر پزشک متخصص باشہ کہ واقعاً ہزینہ ہا بالاتر می رہ» (کد مصاحبہ: ۰۱۸).

از طرفی یکی از مشارکت کنندگان معتقد است: «بچہ برکت زندگیہ، اما وضعیت این مملکت یہ جور یہ کہ آدم از فردای خودش ہم مطمئن نیست، چہ برسہ بہ بچہ. اگہ وضعیت کار جوونا مشخص باشہ، مطمئناً رغبت بیشتری برای بچہ دارن، ولی با این وضع بازار کار واقعاً اضافہ شدن یہ نفر بہ خانوادہ، مصداق ریسک کردنہ» (کد مصاحبہ: ۰۲۱).

۶- بن مایہ سیاسی: این تم بیشتر بہ سیاست گذاری ہای دولت اعم از تشویقی و برنامه ریزی برای حمایت از زوجین اشارہ دارد. در این بارہ مشارکت کنندہ ای می گوید: «بہ نظر من دادن خودرو بہ زوجین برای تشویق بہ فرزندآوری، نوعی توهین بہ شعور خانوادہ ہاست و یہ معاملہ شرم آورہ. دولت اگہ می تونہ، شرایط اقتصادی رو درست کنہ، دادن وام و خودرو پیشکش» (کد مصاحبہ: ۰۲).

مشارکت کنندہ ای دربارہ اہداف سیاست گذاری دولت می گوید: «بہ نظرم وام فرزندآوری خوبہ، می تونہ بہ زوجین کمک کنہ، اما با این تورم، بہ نظر باید مبلغ این وام بیشتر کنن. اما دادن خودرو اونم بہ شرط قرعہ کشی ناعادلانہ هست و دلال بازی بیشتر می کنہ» (کد مصاحبہ: ۰۳۱).

ہمچنین مشارکت کنندہ ای می گوید: «من دوس دارم موقعی کہ باردار هستم، دولت از من حمایت کنہ، نمی دونم چطور، ولی دوس دارم تہ دلم خالی نباشہ. وقتی قرار بچہ وارد زندگیم بشہ مٹہ کشورای خارجی، باور کنین ہر زنی خوشحال میشہ وقتی میخواد

مادر بشه، ولی در دوران بارداری همش به این فک می‌کنه که بچه واقعاً میتونه خوشبخت بشه» (کد مصاحبه: ۰۱۹).

۷- بن‌مایه اعتقادی: مسائل اعتقادی بیشتر با نوعی تقدیرگرایی و دل سپردن به قضا و قدر همراه بوده و آموزه‌های دینی نقش اساسی در آن دارند. در این مورد مشارکت‌کننده‌ای معتقد است: «اونی که بچه رو می‌ده، خودش رزقشم می‌ده. باید به خدا توکل کنیم. البته باید خودمون هم تلاش کنیم تا بچمون خوشبخت بشه. اما در نهایت خدا خودش یه جوری می‌چینه که بچه خوشبخت باشه» (کد مصاحبه: ۰۲۵).

یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد می‌گوید: «حتی اگه بچه ناقص خدا بهمون بده، بازم باید شکرگذار باشیم و قطعاً یه حکمتی تو این کار بوده که بچه ناقص بود» (کد مصاحبه: ۰۰۳).

همچنین مشارکت‌کننده‌ای درباره تعداد فرزندان بر مبنای آموزه‌های اسلامی نیز معتقد است: «تربیت بچه سالم و صالح، وظیفه و تکلیف هر مسلمونی هست. اگه شرایط جامعه اجازه بده، حتی داشتن فرزند زیاد ثواب هم داره» (کد مصاحبه: ۰۲۷).

۸- بن‌مایه جنسی: این تم اشاره به مسائل جنسی چون داشتن آگاهی از زمان بارداری و نگرش به مسائل جنسی و فرزندآوری دارد. برای مثال در ارتباط با این بن‌مایه، مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «متأسفانه نسبت به مسائل جنسی من و همسرم آگاهی کمی داریم و این یک مشکل اساسی هست. البته مسائل جنسی مته تابو هست در جامعه ما و حرف زدن در موردش خصوصاً واسه زنا سخته، واقعاً برای من رخ نداده اما از چن تا از دوستان شنیدم که به دلیل نداشتن آگاهی از مسائل جنسی، بعضی از بچه‌هاشون ناخواسته بوده. البته این به معنای دوست نداشتن بچه نیست» (کد مصاحبه: ۰۱۴).

همچنین مشارکت‌کننده‌ای در ارتباط با صمیمیت جنسی می‌گوید: «بعضی وقتا احساس می‌کنیم که برای همسرمون جذاب نیستیم، خصوصاً امثال منی که توی روستا زندگی می‌کنیم، نمی‌تونیم مته زنا شهری به خودمون برسیم. همین موضوع باعث میشه که همسرمون نسبت به ما سرد بشه و این مسئله روی داشتن بچه واسه ما اثرگذار باشه» (کد مصاحبه: ۰۱۱).

۹- بن‌مایه خانواده: این تم بیشتر به دخالت و فشار خانواده نسبت به زوجین درباره داشتن یا نداشتن فرزند و چشم و هم‌چشمی و رقابت بین اعضای خانواده در داشتن فرزند و جنسیت فرزند اشاره دارد.

برای مثال مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «من و شوهرم یه ساله ازدواج کردیم. باور کنید هنوز قلق شوهرداری دستم نیومده اما دائم از طرف مادرشوهرم تحت فشار هستم که بچه بیارم و بعضی وقتا دخالت‌های بیش از حد مادرشوهرم باعث شده در سال اول زندگی با شوهرم دچار مشکل بشم. من دوس دارم چند سال دیگه بچه دار بشم تا قلق زندگی دستم باشه، بتونم بچه رو درست بار بیارم» (کد مصاحبه: ۰۲۴).

همچنین مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «برادر شوهر من یه بچه پسر داره. چون فضای رقابتی بر خانواده شوهر من حاکمه و اونا هم چن تا برادر و خواهر هستن، مادر و پدر من ازم می‌خوان بچه بیارم تا جای پام تو خونه شوهرم محکم بشه و منم از رقابت عقب نمونم. ولی من دوست دارم درسمو ادامه بدم و الان آمادگی بچه‌دار شدن ندارم و این دخالت‌ای بی‌جای پدر و مادرم واقعاً منو اذیت می‌کنه» (کد مصاحبه: ۰۱).

۱۰- بن‌مایه روابط بین‌زوجی: این مقوله اشاره به تأثیر فرزند بر روابط خانوادگی و بین زوجین دارد. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «من سنم کمه و قاعدتاً باید داشتن دوتا بچه اذیتم کنه. اما باور کنین از وقتی این دوتا فسقلی اومدن تو زندگی، چقد زندگی قشنگ شده. ما زندگیمون سخته، اما اینا دوتا برکت زندگیمون هستن و از داشتنشون واقعاً خوشحالم» (کد مصاحبه: ۰۱۲).

مشارکت‌کننده‌ای درباره حضور بچه در زندگی خود می‌گوید: «من جوون‌تر که بودم دوست داشتم برم سرکار، اما دوتا بچه که اومد تو زندگی، دیگه تمام وقتمو تمام و کمال برای دوتا بچه گذاشتم. ناراضی نیستم، خدا رو شکر، ولی به نظر می‌تونستم دیرتر بچه‌دار بشم و سرکار برم، مستقل باشم» (کد مصاحبه: ۰۲۶).

مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «من و شوهرم، چند سال اول زندگی واقعاً مشکل داشتیم، اما از وقتی فرزند اولم وارد زندگیمون شد، انگار من و شوهرم عاشق هم شدیم و رابطمون واقعاً محکم‌تر از قبل شد» (کد مصاحبه: ۰۲۸).

۱۱- بن‌مایه معرفتی: این تم بیشتر به نوعی نگرانی و اضطراب شناختی از زندگی اشاره دارد که مقوله‌ای مانند فرزندآوری را می‌تواند تحت‌الشعاع خود قرار دهد. در این مورد، یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «نسبت به آینده فرزندم واقعاً نگرانم. نمی‌دونم با این شرایط قراره بچم به کجا برسه و نمی‌دونم باید برای تضمین آینده بچم چی کار کنم. بعضی وقتا توکل می‌کنم، ولی راستشو بخواین نگرانیم نسبت به آینده بچم رفع نمیشه» (کد مصاحبه: ۰۱۰).

همچنین مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «من تازه یه ساله زندگیم رو شروع کردم. تجربه بارداری ندارم. هرچند داشتن بچه رو دوس دارم، ولی می‌ترسم از بارداری. خصوصاً اگه بخوان سزارینم کنن. بعضی وقتا که بهش فک می‌کنم، ترس تمام وجودمو میگیره» (کد مصاحبه: ۰۳۱).

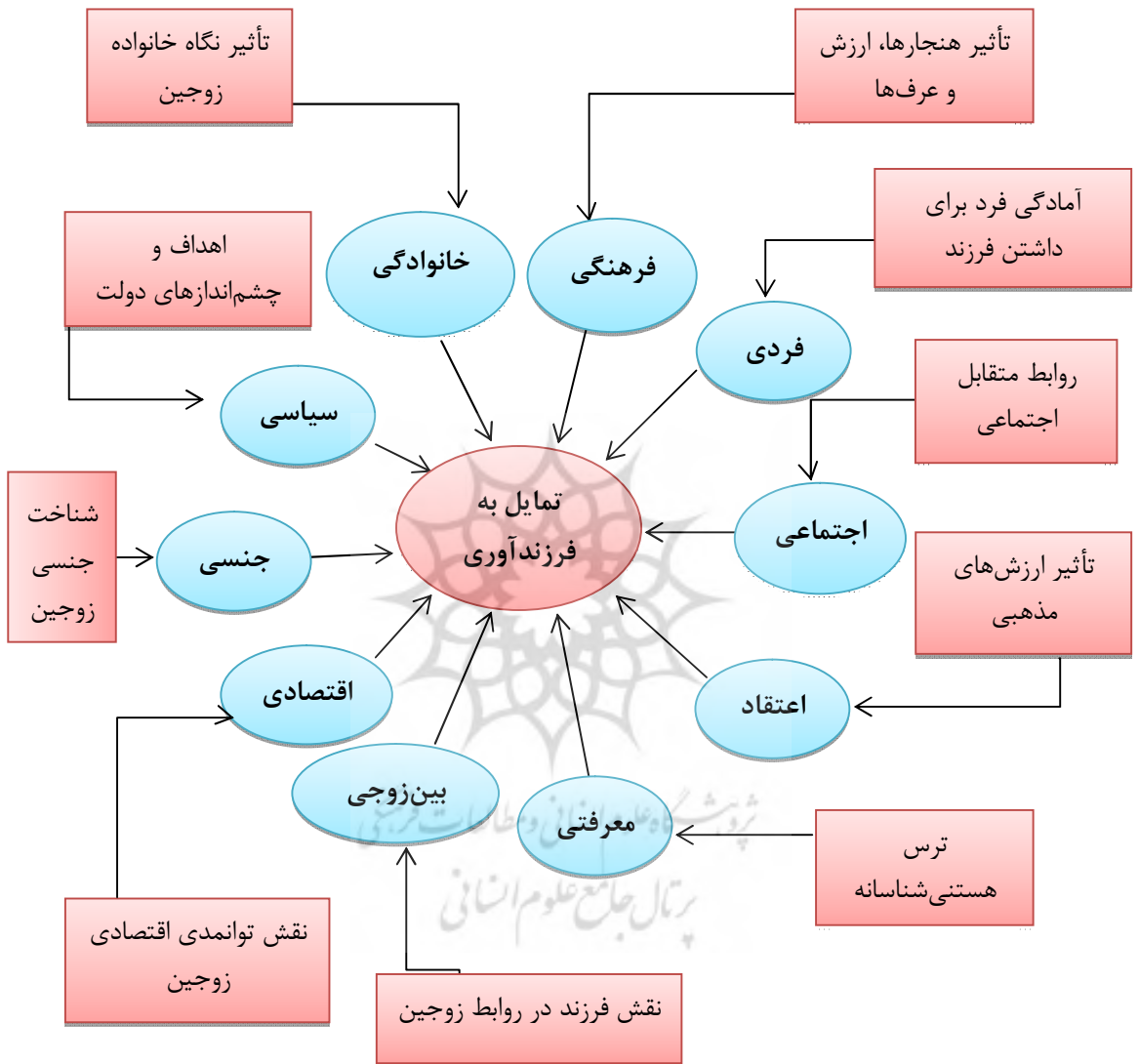
مشارکت‌کننده دیگری نیز می‌گوید: «دوست ندارم بیشتر از یه بچه داشته باشم. همش می‌ترسم نتونم از بچم شناخت درستی داشته باشم، یا مثلاً بچم ناقص باشه، چه از نظر جسمی یا چه از نظر روحی و روانی» (کد مصاحبه: ۰۱۷).

جدول ۲- بُن‌مایه‌های اصلی، تم‌های مشترک و واحدهای معنایی فرزندآوری

شماره	بُن‌مایه‌های اصلی	تم مشترک	واحد معنایی
۱	فرزندگرایی ایده‌آل	تناسب تعداد فرزند با شرایط زوجین	تنها نبودن فرزند و داشتن هم‌بازی، جفت بودن فرزندان (یک خواهر و یک برادر)، تک‌فرزندگرایی
۲	فردی و روانی	آمادگی فرد برای داشتن فرزند	بلوغ فکری، صداقت، تاب‌آوری، اعتماد، تصمیم‌گیری، درک متقابل، سبک زندگی، تنهایی، تحصیلات
۳	تغییرات فرهنگی	تأثیر هنجارها، ارزش و عرف‌ها در فرزندآوری	باورها و عرف‌ها مانند پسرسالاری در بین برخی اقوام، قیاس کردن فرزندان خود در بین زوجین، تناسب فرهنگی، جهان‌بینی رسانه‌ای، اعتماد به فناوری‌های پزشکی نوین، تأثیر روابط بین فرهنگی
۴	اجتماعی	روابط متقابل اجتماعی و تمایل به فرزندآوری	پرستیژ و پایگاه اجتماعی، قضاوت اطرافیان، چشم و هم‌چشمی، جنسیت‌سالاری، نداشتن فرزند یا تک‌فرزندی به‌مثابه باکلاس بودن (تمایز)، استحکام روابط اجتماعی
۵	اقتصادی	نقش توانمندی اقتصادی زوجین	اشتغال، توانمندی اقتصادی زوجین، هزینه‌های دوران بارداری، هزینه‌های بالای رشد و تربیت فرزند، تورم، سطح درآمد، رفاه مالی، هزینه‌های بالای تحصیلات فرزند
۶	سیاسی	اهداف و چشم‌اندازهای دولت در تشویق و حمایت زوجین به فرزندآوری	ناکارآمدی سیاست‌های دولت مانند تخصیص خودرو و وام فرزندآوری، عدم توجه ویژه دولت به دوران بارداری زنان، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ناکارآمد دولت، عدم حمایت صحیح دولت از زوجین
۷	اعتقادی	تأثیر ارزش‌های	باور به حکمت خدا، تأثیر آموزه‌های قرآنی در

تمایل به فرزندآوری، تربیت فرزند صالح در چهارچوب قواعد اسلامی، داشتن فرزند زیاد به‌مثابه تکلیف برای هر مسلمان، فرزندآوری در شرایط کنونی ایران نوعی گناه است.	مذهبی		
صمیمت جنسی، نداشتن آگاهی کافی از مسائل جنسی مانند جلوگیری از بارداری یا زمان نزدیکی، مسائل فرازناشویی	شناخت جنسی زوجین	جنسی	۸
دخالت اطرافیان به‌ویژه پدر و مادر، چشم و هم‌چشمی بین خانوادگی یا فAMILI، رقابت با خواهر یا برادر، حمایت و پشتیبانی خانواده از زوجین، سلطه خانواده بر زوجین و اجبار آنها به فرزندآوری یا عدم فرزندآوری	تأثیر نگاه خانواده زوجین در فرزندآوری	خانوادگی	۹
استحکام روابط زوجین، نشاط زندگی، مشترک شدن اهداف زوجین، تعهد بیشتر در زندگی، زیباتر شدن زندگی، جذاب و هیجان‌انگیز شدن زندگی، جلوگیری از پیشرفت زوجین به‌ویژه مادر، افزایش مشکلات زندگی، از خود گذشتگی زوجین	نقش فرزند در روابط زوجین	بین‌زوجی	۱۰
آینده نامعلوم فرزند، استرس ناقص بودن فرزند، ترس از بارداری، ترس از قضاوت دیگران، بی‌ثباتی زندگی تحت تأثیر بسترهای مختلف	ترس هستنی‌شناسانه	معرفتی	۱۱





شکل ۱- یافته‌های عوامل فرزندآوری زوجین

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضعیت گرایش به فرزندآوری در استان لرستان و شناسایی علل اثرگذار بر آن بود. برای تبیین بهتر مسئله پژوهش و بررسی تجربه زیسته

زوجین در حوزه فرزندآوری از روش کیفی استفاده شد تا تجربه اصیل آنها درباره این موضوع سنجیده شود. نتایج این پژوهش نشان داد که زمینه‌های متفاوتی چون مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جنسی، معرفتی، روابط بین‌زوجی، خانوادگی و... بر نگاه زوجین به فرزندآوری مؤثر است.

نتایج این پژوهش از آن جهت که نشان داد که عوامل اجتماعی بر فرزندآوری اثرگذار است با نتایج پژوهش‌های رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاج‌بخش (۱۴۰۰)، غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹)، محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) و گتو و همکاران (۲۰۱۵) همسو بوده و نتایج این پژوهش‌ها را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که عوامل فرهنگی نیز بر تمایل زوجین بر فرزندآوری تأثیر دارد. بر این اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش‌های تاج‌بخش (۱۴۰۰)، غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹)، صادقی (۱۳۹۵)، محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹)، عنایت و پرینان (۱۳۹۲)، گتو و همکاران (۲۰۱۵) و ادسیرا (۲۰۰۴) را تأیید می‌کند.

عوامل سیاسی چون ناکارآمدی سیاست‌های دولت و بی‌اعتمادی سیاسی از دیگر عوامل اثرگذار بر تمایل زوجین به داشتن فرزند بوده است. از بعد سیاسی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رهنما و همکاران (۱۴۰۱) و تاج‌بخش (۱۴۰۰) همسو بوده و نتایج این پژوهش را بر اساس بعد سیاسی تمایل زوجین به فرزندآوری تأیید می‌کند.

نامنی و نارضایتی اقتصادی در بعد اقتصادی از جمله ابعادی بودند که بر نوع نگاه زوجین به فرزندآوری اثرگذار بودند. از این جهت باید گفت که عوامل اقتصادی، نقش پررنگی در تمایل زوجین بر فرزندآوری دارند. نظریه‌های ریچارد استرلین و لیبنشتاین درصدد تبیین اقتصادی باروری بوده، بعد اقتصادی را عاملی اثرگذار در تمایل به فرزندآوری معرفی نموده و بر این باورند که فواید و هزینه‌های فرزندآوری در نگرش مثبت یا منفی به داشتن فرزند تأثیر می‌گذارند. بر این مبنا نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاج‌بخش (۱۴۰۰)، غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹)، عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۴)، محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴) و گلدستین (۲۰۱۰) را تأیید کرده، با آنها همسو است.

مسائل فرزندآوری در بعد فردی و روانی نیز بسیار مهم بوده و باید بر آن تأکید نمود. تصورات، احساسات و روحیات زوجین نیز بر روابط و نگرش افراد به فرزندآوری بسیار مهم است. بر این مبنا نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش تاجبخش (۱۴۰۰)، رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷)، محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) و هی فورد و مورگان (۲۰۰۸) همسو است.

همچنین در بعد اعتقادی، نگرشی و معرفتی نیز نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های تاجبخش (۱۴۰۰)، زهره‌زاده (۱۳۹۹)، محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) و ادسیرا (۲۰۰۴) همسو بوده و نتایج آنها را تأیید می‌کند. نظریه فاوست<sup>۱</sup> بر این باور است که نوسازی زیست‌بوم اجتماعی منجر به نوساختن گرایش‌ها و ارزش‌های فردی شده، رفتار و شیوه زندگی آنها را تغییر خواهد داد. از این‌رو خانواده‌گرایی تضعیف شده، آینده‌نگری و میل به فردگرایی و داشتن یک زندگی مرفه و بی‌دردسر افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر نتایج این پژوهش نشان داد که تغییرات نهاد خانواده متناسب با گذار جامعه ایرانی از سنت به سوی مدنی‌اسیون همراه بوده است و بر این مبنا نهاد خانواده نیز بر تمایل به فرزندآوری زوجین اثرگذار بوده است. برخی از صاحب‌نظران همچون جفری مک‌نیکل، سوزان گرین هال و مک‌دونالد، تغییر ایده‌ها و آمال خانواده در فرآیند مدرنیته را عامل برتر در تبیین باروری می‌دانند و معتقدند زمانی که نقش‌ها و انتظارات نهادهای خانواده‌محور با نهادهایی که فردمحور هستند تفاوت یابد، ناهماهنگی بین این نهادها به وجود می‌آید. این امر سبب می‌شود که زنان بین آزادی‌های فردی و مسئولیت‌های خانوادگی خود دچار تعارض شوند و برای اینکه بتوانند از این مسائل بیرون آیند، تصمیم به کاهش باروری می‌گیرند. بر این اساس نتایج این پژوهش از بعد خانوادگی با نتایج پژوهش‌های رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاجبخش (۱۴۰۰)، رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷) و اتوه (۲۰۰۸) همسو بوده و نتایج آنها را تأیید می‌کند.

مک‌دونالد در مدل برابری جنسیتی بیان می‌کند که نهادها، زن را جدای از نقش‌های وی به عنوان یک همسر، مادر یا عضوی از خانواده، به عنوان یک فرد در نظر می‌گیرند. امروزه نتیجه باروری پایین که در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته مشاهده می‌شود، وجود

برابری جنسی و ارتباط آن با نهادهای اجتماعی و اقتصادی نسل جدید است. نهاد سلامت و به‌ویژه مسائل پزشکی نیز از جمله عواملی است که فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش‌های رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاج‌بخش (۱۴۰۰) و زهره زاد (۱۳۹۹)، نتایج این پژوهش را از بعد پزشکی تأیید می‌کنند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که مسائل جنسی و شناخت جنسی زوجین از یکدیگر می‌تواند مقوله فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد. از این جهت باید ادعا نمود که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رهنما و همکاران (۱۴۰۱) و آزموده (۱۳۹۸) اثرگذار است. در نهایت روابط بین‌زوجی نیز عامل مهمی در فرزندآوری زوجین است. از این جهت نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷) و هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) همخوانی دارد.

همان‌گونه که ذکر شد، نتایج این پژوهش با در نظرگیری تمامی ابعاد کشف‌شده از یافته‌های کیفی با ابعاد مختلف نتایج پژوهش‌های پیشین در ارتباط است و این مسئله نشان می‌دهد که یافته‌های این پژوهش می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی برای فرزندآوری و شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش زوجین بر فرزندآوری در استان لرستان مهم باشد.

بدون شک فرزندآوری از جمله مسائل روز جامعه ایرانی است که بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های دولت فعلی در جهت رفع این مسئله است. استان لرستان نیز از جمله مناطقی است که تحت تأثیر این سیاست‌گذاری‌ها قرار گرفته است. با توجه به اینکه جامعه ایرانی و جمعیت کشور به طور کلی به سمت پیری در حال حرکت است، توجه به این موضوع ضروری است، اما توجه به بسترهای فرزندآوری نیز باید به شکلی جدی در دستورکار مسئولان قرار گیرد. نباید فراموش کرد که استان لرستان جزء پنج استان محروم کشور به حساب می‌آید که در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان داد، در استان لرستان، عوامل مهم و اساساً ریشه‌داری بر تمایل زوجین بر فرزندآوری اثرگذار است. شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، پزشکی، اجتماعی، خانوادگی و... از جمله عواملی هستند که باید بیش از پیش

مورد عنایت افراد و به‌ویژه مسئولان قرار گیرد. از سوی دیگر با توجه به موقعیت اقتصادی و سیاسی استان لرستان در کشور باید به این نکته توجه نمود که اگر قرار است سیاست‌های جمعیتی در این استان به ثمر برسد، توجه به زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و بهداشت و سلامت باید به طور اساسی مورد بازبینی قرار گرفته، در جهت رفع این مشکلات، برنامه‌ریزی مدونی صورت گیرد. در غیر این صورت حتی با افزایش جمعیت و تمایل زوجین به موضوع فرزندآوری، نه‌تنها مشکلات حل نمی‌شود، بلکه در یک دورنمای سیاسی چندساله، اوضاع در این استان به واسطه موقعیت فرودستی این استان، بحرانی خواهد شد.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

۱. مسائل اقتصادی از جمله عواملی بود که بر نگاه زوجین به فرزندآوری اثرگذار بود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که به دوران بارداری زنان و هزینه‌های مربوط به آن از جانب مسئولان توجه ویژه‌ای شود.
۲. همچنین در رابطه با شرایط اقتصادی، باید بازاندیشی اساسی در شرایط اشتغال زوجین و به‌ویژه مردان صورت گیرد تا با خیال آسوده‌تری به داشتن فرزند فکر کنند.
۳. در بخش سیاسی، آنچه فوریت دارد، ذکر این مسئله است که حمایت‌های دولت در بخش فرزندآوری باید مورد بازبینی قرار گیرد و اصلاح شود. برای مثال حمایت از زوجین جوان‌تر و طبقات پایین جامعه باید به صورت فوری در دستورکار برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی دولت قرار گیرد. مشخصاً اعطای وام‌ها و اعمال تخفیف‌های تحویل خودرو برای زوجین این طبقات، ضروری است.
۴. در حوزه فرهنگی و اجتماعی به نظر می‌رسد که ارائه آموزش‌های همگانی درباره فرزندآوری، افزایش آگاهی جنسی زوجین و جلوگیری از سانسور شدن این قبیل مسائل و همچنین بسترسازی فرهنگی صحیح از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌هایی چون تلویزیون، رادیو و... می‌تواند مهم باشد.
۵. افزایش سواد رسانه‌ای زوجین درباره برخورد با ارزش‌ها و هنجارهای متعارض با ارزش‌های فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی به‌ویژه در حوزه فرزندآوری باید در دستورکار قرار گیرد.

۶. درباره مسائل بهداشتی و درمانی، با توجه به اینکه استان لرستان یک منطقه کم‌برخوردار است و همچنین با توجه به اینکه در خود این استان، مناطق به شدت محرومی وجود دارد، ایجاد تمهیدات پزشکی و بهداشتی برای زوجین و فرزندان آنها به شدت احساس می‌شود. یکی از مسائل مهم دیگر در حوزه پزشکی که با سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی نیز رابطه تنگاتنگ دارد، مسئله ناباروری زوجین است. حمایت از زوجین نابارور به شدت در این حوزه احساس می‌شود. این شرایط باید هم در زمینه تسهیلات پزشکی و هم اقتصادی و سیاسی در دستورکار مسئولان قرار گیرد.



## منابع

- تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۰) «مطالعه زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری: پژوهشی کیفی»، فصلنامه جمعیت، سال بیست‌وهفتم، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴، صص ۶۹-۹۶.
- (۱۴۰۲) مطالعه جامعه‌شناختی کاهش فرزندآوری در لرستان، طرح پژوهشی، استانداری لرستان.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳) درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- رستگار خالد، امیر و ساجده مقدمی (۱۳۹۷) «بررسی رابطه تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۱۵۳-۱۷۴.
- رهنما، آمنه و روزبه نسبیه و علی سلیمی اصل و زهره کاظمی گراشی و مهشید عباس زاده و فاطمه دبیری (۱۴۰۱) عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک. طب پیشگیری، ۹ (۱)، صص ۶-۱۷.
- زهره‌زاده، احمد و محبوبه عبدالهی و سیده بلین توکلی ثانی و الهام چارچقیان خراسانی (۱۳۹۹) بررسی میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سواد سلامت و سلامت معنوی در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷، علوم پزشکی رازی (مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران)، ۲۷ (۸)، صص ۳۲-۴۱.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۲) سالنامه آماری سال ۱۴۰۲، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.
- ساعی، علی (۱۳۸۸) درآمدی بر روش پژوهش اجتماعی؛ رویکرد تحلیل کمی در علوم اجتماعی با نرم‌افزار SPSS، تهران، آگه.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵) «تحلیل بسترهای اجتماعی- فرهنگی کاهش باروری در ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۱۷-۲۴۶.
- عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۹۳) ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سمنان، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹ (۱۷)، صص ۳۷-۷۶.
- عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان (۱۳۹۲) «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۶.
- غفاری سردشت، فاطمه و زهرا متقی (۱۳۹۹) تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری براساس دیدگاه زنان: یک مطالعه کیفی، ۲۳ (۷۶)، نوید نو، صص ۳۳-۴۳.
- محمودیان، حسین و محمدرضا پوررحیم (۱۳۸۱) «ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی: شهرستان بهشر)»، فصلنامه جمعیت، سال پنجم، شماره ۴۱، صص ۸۹-۱۰۳.
- محمودیان، حسین و رضا نوبخت (۱۳۸۹) «مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی

سنی و شیعه شهر گلهدار استان فارس، نشریه مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱، صص ۱۹۵-۲۱۵.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) بررسی روند تغییرات و ساختار جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰، تهران، مرکز آمار ایران.

- Atoh, Makoto (2008) "The Relevance of Ideational Changes to Family Transformation in Postwar Japan." pp. 223 –250. In: International Family Change: Ideational Perspectives, edited by Ruk-malie Jayakody, Arland Thornton and William Axinn. New York: Lawrence Erlbaum Associates.
- Adsera, Alicia. (2004) Marital Fertility and Religion: Recent Changes in Spain. IZA Discussion Paper No. 1399.
- Caldwell (1982) Decline Fertility of Theory, .Press Academic: London.
- Guetto, Raffaele& Luijckx, Ruud& Scherer, Stefani. (2015) "Religiosity, gender attitudes and women's labour market participation and fertility decisions in Europe", Acta Sociologica, Vol. 58 (2), pp: 155–172. DOI: 10.1177/0001699315573335.
- Goldstein, J., Lutz, W., and M. R. Testa (2003). The Emergence of Sub Replacement Family Size Ideals in Europe, Population Research Policy Review, 22: 479-496.
- Robinson, Warren, C. (1997) "The Economic Theory of Fertility Over Three Decades, Population Studies". A Journal of Demography, 51(1), 63-74.
- Lesthaeghe, R. (2010) "The unfolding story of the second demographic transition", Population and Development Review 36 (2), pp: 211–251.